

در جست‌وجوی فضاهاى گم‌شده

(مجموعه مقالات مرتبط با هنرهای تجسمی)

داریوش شایگان



فرهنگ معاصر

تهران ۱۳۹۵

فهرست نویسی پیش از انتشار

- سرشناسه: شایگان، داریوش، ۱۳۱۳ -
عنوان و نام پدیدآور: در جستجوی فضاهای گم‌شده: (مجموعه مقالات مرتبط با هنرهای تجسمی) / داریوش شایگان.
مشخصات نشر: تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۲۲۰ ص
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: حجم سازی - مقاله ها و خطابه ها
موضوع: Plasticity (Art) -- * Addresses, essays, lectures
موضوع: هنر --- مقاله ها و خطابه ها
موضوع: Art -- Addresses, essays, lectures
رده بندی کنگره: N ۷۴۳۳ / ۹۵ / ش ۲۴۴ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی: ۷۳۰
شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۳۷۱۶۷

فرهنگ معاصر

(مجموعه مقالات مرتبط با هنرهای تجسمی)

فرهنگ معاصر
تهران، خیابان طالقانی غربی، خاندان فریمان، پلاک ۲۸، طبقه دوم
کدپستی: ۴۱۶۸۶۴۱۸۲
واحد فروش: ۰۹۷۳۳۵۲
تلفن: ۰۵-۶۶۹۵۲۶۳۲
فکس: ۰۱۸-۶۶۴۱۷۰۱۸

E-mail: farhangmoaserput@gmail.com

Website: www.farhangmoaser.com



در جست‌وجوی فضای گم‌شده
(مجموعه مقالات مرتبط با هنرهای تجسمی)

داریوش شایگان

حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و چاپ:

واحد کامپیوتر و چاپ فرهنگ معاصر

چاپ اول: ۱۳۹۵ / تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق این اثر متعلق به «مؤسسه فرهنگ معاصر» است و هر نوع استفاده
بازرگانی از این فرهنگ اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری و یا
تکثیر به هر صورت دیگر، کلاً و جزئاً قابل تعقیب قانونی است.

فهرست

۱ پیشگفتار

بخش نخست

- ۷ هر من در قرن پانزدهم میلادی
- ۴۷ چگونه می توان در حوزه فرهنگ غیر غربی به هنر اندیشید؟
- ۴۹ بخش فراگیر
- ۵۵ بینش سری
- ۶۳ در مرز تمدن جهانها
- ۷۳ در جست و جوی فضاهای گمشده
- ۹۵ پاریس، شهر جهانی
- ۱۱۱ آیا تهران مدینه‌ای تمثیلی است؟
- ۱۲۷ آینه روح یک ملت

بخش دوم

- ۱۳۹ هاله باز یافته
- ۱۴۷ درهای خانه‌های متروک
- ۱۵۱ لحظه‌ای در واحه
- ۱۶۹ ابوالقاسم سعیدی
- ۱۷۱ گفتگو با ابوالقاسم سعیدی (پاریس ۲۰۱۳)
- ۱۸۵ آیدین آغداشلو
- ۲۰۳ راز استحاله درونی
- ۲۱۳ فهرست تصاویر
- ۲۱۵ نمایه

پیشگفتار

بیشتر مقالاتی که در این کتاب گردآوری شده‌اند، در اصل به زبان فرانسه به‌عنوان آثارش درآمده و طی دهه‌های اخیر در مجلات و مجموعه‌های مختلف فرانسه زبان به چاپ رسیده‌اند؛ برخی دیگر مستقیماً به زبان فارسی به‌رشته تحریر درآمده‌اند. از جمله مقاله «هاله بازیافته» درباره زنده‌یاد بهمن جلالی، و مقاله «آینده‌ای که به دو زبان فارسی و فرانسه، توسط راقم این سطور نگاشته شده است». بسیاری از مقالات را شخصاً از زبان فرانسه به فارسی برگردانده‌ام، که مقالات «پاریس، شهر جهانی»، «ابوالقاسم سعیدی»، «آینه روح یک ملت»، و بخش پایانی مقاله «لحظه‌ای در واحه» از آن زمره‌اند. تعدادی از این مقالات در مجلات ایران به طبع رسیده‌اند، که از آن میان می‌توان به مقاله «در جست‌وجوی فضای گم‌شده» اشاره کرد که بارها در مجلات گوناگون چاپ شده است. نیز هاله «آیا تهران مدینه‌ای تمثیلی است؟» و مقاله «چگونه می‌توان در حوزة فرهنگی غربی به هنر اندیشید؟». برخی مفاهیم و مباحث در چند مقاله تکرار شده‌اند، اما این امر به‌سبب سنجیت مفاهیم مزبور با مضامین طرح‌شده در آن مقاله حاصل است؛ از این بابت معذورم بدارید.

انتخاب این مقالات برای چاپ در قالب مجموعه‌ای واحد، از آن‌روست که همگی به‌گونه‌ای حول محور هنر شرق و غرب می‌گردند، و علاقه من به این موضوع پیشینه‌ای دیرینه دارد. من از این فرصت استثنایی بهره‌مند بوده‌ام که در سن پانزده‌سالگی به اروپا، نخست به ایتالیا، سفر کنم. در مدت اقامت

چهل روزه‌ام در ایتالیا، طی بازدید از شهرهای تاریخی این دیار، که زادگاه بلامنازع هنر جدید و رنسانس است، آثار هنری ارزشمند آن را از نزدیک مشاهده کردم؛ در ادامه سفرم به فرانسه، کاتدرال‌های عظیم گوتیک را کشف کردم که چون فواره‌های سنگی، از نیایش جمعی صنعتگران گمنام و ایثارگر آن عصر نشأت گرفته و سر به فلک کشیده بودند؛ و سپس در شهر پاریس، که به قول والتر بنیامین^۱ پایتخت قرن نوزدهم اروپاست، بخت آشنایی با آثار برجسته نقاشان امپرسیونیست فرانسه را یافتم. این تماس نزدیک با شاهکارهای هنری غرب، بی‌آنکه خود بدانم، تأثیری چنان ژرف بر من نهاد که سواره نفوذش حتی بعدها طی دوران تحصیلم در اروپا همچنان برجا ماند. پس در اروپا، لب شناخت آثار بزرگ مغرب‌زمین تمامی عرصه‌های هنری، از نقاشی و مجسمه‌سازی گرفته تا موسیقی و تئاتر و باله، را پی‌گیری کردم. چندی بعد، نظرم به فرهنگ و هنر هند معطوف گردید، و متعاقب آن دیری نگذشت که دلباخته فرهنگ و هنر کشور خودم شدم، هنر باستان ایران و آثار هنری بی‌همتای دوران اسلامی، سلجوقی و تیموری و صفوی. سال‌ها به‌همراه دوست هنرشناسم، اسدالله بهرزدان، سیر و سیاحت در ایران را پیشه کردیم. به‌یاد دارم که اسدالله بهروزا در مقام مقایسه دو اقلیم هند و ایران، به‌درستی بر این نظر بود که در مقابل آثار تاریخی هند که آدم را با انبوهی از الوان و اشکال محیرالعقول مواجه می‌دند گریه و اندرون اکواریومی قرار گرفته باشی، مناظر عریان ایران از نوعی اصالت و سبابت و بی‌آلایشی یگانه بهره‌مندند. در نظر او قلات ایران «سرزمین سایه‌های بنفش» بود، و برای من تجسمی از «سرزمین سراب‌ها». مرحوم بهروزان، عکاسی هنرمند و چیره‌دست بود، و طی سفرهای متعددمان در ایران، که از

1. Walter Benjamin (1892-1940)

هم قطاری اش نصیب بسیار بردم، نگاه هنرمندانه و نافذش به این فلات را در جان من دمید. هم او بود که در آغاز سال‌های چهل، مرا به هیأت علمی دانشکده هنرهای تزئینی دعوت کرد. آن زمان برجسته‌ترین نخبگان هنری در این دانشکده جدیدالتأسیس به ریاست هوشنگ کاظمی، گرد هم آمده بودند؛ بزرگانی چون سهراب سپهری، پرویز تناولی، کریم امامی، فریدون رهنما، بیژن صفاری، و خود اسد بهروزان. حق است در این جا با یادی از اسد بهروزان، اندکی از دین خود را به او ادا کنم، و از خلال این سطور یاد خاطره دوستان و عزیزان از دست رفته - سپهری، امامی، رهنما - را گرامی بدارم و تقدیرشان را در ذهن احیا کنم.

بعدها به تدریس در سفر کردم و به هنر چین و ژاپن علاقه‌مند شدم. اندک اندک مسئله شناخت و مقایسه جهان‌بینی‌هایی که بنیان و منشأ این آثار هنری‌اند، در ذهن من تبلور یافت، و همچنانکه در عالم تفکر به مقایسه افکار مضمحل در این تمدن‌ها می‌اختم، هنرشان را هم از نظر دور نداشتیم، زیرا شناخت راستین یک فرهنگ، صرفاً با درک آثار مکتوب و فلسفی و ادبی حاصل نمی‌شود، بلکه هنر نیز جزء لاینفک هر فرهنگی است و چه بسا هنرمندان با بصیرتی به مراتب عمیق‌تر و رساتر از اساتید و رموز فرهنگ خاص خود پرده برمی‌دارند و انسان را به سرشت راستینش، کنه روح آن رهنمون می‌شوند. بدین ترتیب تا آن جا که ممکن بود و از هر چه می‌آمد، به موازات مطالعات فلسفی و عرفانی، از سیر تطور هنر فرهنگ‌های مختلف نیز غافل نماندم. البته باید فروتنانه تأکید کنم که هرگز خود را در مقام متخصصی در این رشته نپنداشته‌ام و مرتبه‌ای فراتر از آماتوری علاقه‌مند به هنر، برای خود قائل نبوده‌ام. مقالات پیش‌رو محصول همین شیفتگی و علاقه مفرط به هنرهای مستظرفه است.

در بخش دوم این مجموعه، توجهم را به هنر معاصر ایران مبذول داشته و

بر آن بوده‌ام تا بلکه از این طریق آثار برخی از هنرمندان ارزندهٔ معاصر ایران را بررسی کنم. به‌باور من، هنر ایران بازتابندهٔ روح ملتى است که هنوز حرف آخرش را نزده و در آینده همچنان و بیش از پیش شگفت‌زده‌مان خواهد کرد. در این جا لازم می‌دانم از مترجمان و دوستانی که در امر ترجمه و گردآوری این مجموعه یارى‌ام کرده‌اند، تشکر کنم. مترجمان: نازی عظیمی، فاطمه ولیانی، گلی ترقی، و علیرضا منافزاده، که با مهارت و وسواس و دقت بسیار، متن‌ها را به فارسی روان و شیوا برگردانده‌اند؛ همچنین علی‌هباشی که همواره مشوق و یارى‌دهنده‌ام بوده است؛ و در پایان از کیانوش تقی‌زاده، استادى سپاس‌گزارم که با مهارتى ستودنى در ویراستارى بعضى مقالات من - ریف - مراهمی‌ام کرد.

داریوش شایگان

تهران، زمستان ۱۳۹۱